

نقد و نظر

نقش مبانی فکری، فلسفی علامه طباطبایی در مواجهه با مبانی فکری مدرنیته

محمد بهمنی

مواجهه حوزه‌های علمیه با تمدن جدید سابقه‌ای به عمر ورود این مظاهر تمدنی و تفکری در ایران دارد. اما با وجود حرکت‌های مختلفی که از سوی روحانیت اصیل شیعه در مواجهه با سیل مدرنیزاسیون در ایران صورت یافت، حرکت امام خمینی (ره) که اعلام رسمی و عمومی آن از خرداد ۱۳۴۴ بود، ویژگی منحصر به فردی داشت و این ویژگی را می‌توان از نتیجهٔ آن که براندازی نمایندهٔ تمام عیار تفکر مدرن در منطقه خاورمیانه، و نفی حاکمیت و غایت جهان انسانی بودن غرب و مدرنیته بود، به روشنی یافت.

در دوران پهلوی مقابله و معارضه با دین به شکل‌های مختلفی صورت گرفت که یکی از آن‌ها ظهور فلسفه‌های جدید غربی بود. فلسفه‌های لیبرالی و مارکسیستی مانند دولهٔ قیچی به سزیز با دین و فلسفهٔ دینی پرداختند. در این شرایط به معنای واقعی، غرب دین و که از یک سو رژیم فردگندم پهلوی با تمام توان از جریان‌های مخالف حمایت می‌کند، و از سوی دیگر به دلیل سال‌ها فشار و جنابلی که در حق دین و مراکز دینی روا داشته بودند، توان لازم برای رویارویی با موج جدید حمله علیه دین وجود نداشت، حرکتی نو، توانمند و مجهز به سلاح تفکر و منطق و البته آشنا به تمام ابعاد فکری و عملی دین اسلام، به دفاع از دین و آرمان‌های دین در مقابل اندیشه‌های وارداتی شیعی و غربی ایستاد. این حرکت و جریان فکری که مکمل و پشتوانهٔ تئوریک جریان انقلابی و سیاسی آن دوران به رهبری امام خمینی (ره) بود، توسط قتیبه و فیلسوف عارف، علامه محمد حسین طباطبایی (ره) نمایندگی و رهبری شد.

نوشته شدن کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم که در اوج ترویج افکار لیبرالی از یک سو و قدرت گرفتن افکار مارکسیستی، بارها به چاپ رسید، در آن زمان نشان از پتانسیل بالای فلسفه

اسلامی در پاسخ‌گویی به مباحث جدید بود. این کتاب که طریح نو در ارائه مباحث فلسفه اسلامی بود با حواشی شاگرد تحول سازش شهید مطهری به چاپ رسید ضمن طرح مباحث کلاسیک رایج در فلسفه اسلامی کاملاً ناظر به مباحث فکری مدرن و وارداتی اعم از چپ و راست، به مباحث فلسفی وارد می‌شد. و ضمن بررسی مطالب فلسفی به این سوال مقلد نیز پاسخ می‌داد که فلسفه اسلامی نه تنها راکد و رو به افول نیست که قادر که پاسخ‌گویی به فلسفه‌ها و اندیشه‌های مطلق پنداشته جدید نیز هست. گروه‌های مختلف فکری اعم از مارکسیستی و چپ و طرفداران لیبرالیسم و غرب، با وجود تلاش‌ی که در ناکارآمد جلوه دادن دین و اندیشه‌های دینی و صحت سخنان خود داشتند، هرگز در خود این توان را ندیدند که به این اثر علامه که تمام مبانی فکری آنان را به چالش می‌کشید، پاسخ دهند. تربیت شاگردانی چون شهید مطهری (ره) که با مجهز شدن به مباحث فلسفی و عرفانی شیعه، امکان حضور در فضاهای جدید را نیز داشتند، تلاش دیگری بود که فضای فکری جامعه ما را در هجوم افکار چپ و راست بیمه کرد.

شاید بتوان گفت در دوره‌ای که ما بررسی زندگی و آثار علامه طباطبایی (ره) را در رابطه با مسألهٔ شناسی علامه با پدیدهٔ مدرنیته مورد بررسی قرار داده‌ام، غرب و مدرنیته هر سه چهره خود یعنی استعمار سیاسی، استعمار نظامی و از همه مهمتر استعمار فرهنگی را تقریباً به صورت تمام به ظهور رسانده بود و علامه غرب را با این تصویر که ماهیتی مهاجم در زمینه نظامی، سیاسی و فرهنگی دارد می‌نگرد. وی هر به صورت غرب را می‌بیند، نقد می‌کند، در موارد لازم بدیل معرفی می‌کند اما همت خویش را در بنیان نهادن اساسی مصرف می‌دارد که نتیجه منطقی و عملی آن تلاش، مصون سازی جامعه دینی در برابر تهاجم فکری مدرن است. علامه در ابتدای تلاش خالصانه و عمیق که به راستی باید آن را مبارزه نرم و بی‌آند نام نهاد، ما و جامعه دینی را به تعیین سبستی درست در مواجهه با غرب و مدرنیته رهنمون می‌سازد. و حضور طاهرآ کریمگن علامه در برخی فعالیت‌های سیاسی را در این جایگاه باید تفسیر کرد. چرا که علامه اگر چه در ظاهر در برخی فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی حضور ندارد، ولی جبهه‌ای اساسی تر را در مواجهه با تهاجم فکری و فرهنگی غرب، گشوده و سنگربانی می‌نماید.

زمانه زیست علامه (ره) از جهات مختلفی قابل توجه است.

از نظر سیاسی اوج قدرت و ثبات دیکتاتوری پهلوی است که با پی گیری طرح مدرنیزاسیون از راه‌های مختلف می‌کوشد جامعه دینی- شیعی سازگار با مبانی مدرن را با اعمال قدرت، هماهنگ با خواست‌های مدرن تغییر دهد و در همین راستا علاوه بر اجزای طرح‌های اقتصادی و نظامی که به گمان دست‌اندرکاران رژیم برای پیوستن به کاروان تمدن جدید الزامی بود، گروه‌های فکری و فرهنگی نیز به شدت در بنی نوع فکری در راه گسترش مدرنیته با حمایت رژیم پهلوی تلاش می‌کردند. این گروه‌ها با تکیه بر سیاست‌های فرهنگی رژیم پهلوی از جمله ناسیونالیسم گذشته‌گرا، مبارزه با ویژگی‌های غربی که رها می‌نفتن اسلام بود، تجددگرایی شبه مدرنیسم سکولاریزم و محدود کردن دین به ساحت‌های شخصی، جامعه دینی را مورد حمله قرار داده بود. و از سوی دیگر گروه‌های چپ و مارکسیستی با تکیه بر ماتریالیسم هر ساحت غیر مادی را نفی کرده و به گونه‌های دیگر اگر چه در ظاهر مخالف سیاست‌های رژیم پهلوی ولی در عمل همسو با آن به دین و باورهای دینی حمله و شیعی پرداخته بود.

این جریان فکری که بعدها با نام‌های چون روشنفکری دینی شناخته شد به دلیل همسویی با منافع قدرت‌های استعماری، از سوی عوامل رسمی و غیر رسمی یگانه شتویق و ترویج می‌شدند. در این شرایط حاد فکری و اجتماعی، علامه با رسالتی سیاسی برای حفظ دین در مقابل آن‌چه ما امروز مدرنیته می‌خوانیم، وارد عرصه فرهنگی و فکری کشور شد. و به انجام رسالت خویش در سه جنبه: (۱ فلسفی، ۲) دینی و اعتقادی و (۳) مباحث مدرن اجتماعی، همت گمارد.

الگوی صحیح مصرف

دکتر رسول محمدرضایی*

مصرف چیست؟

تغییر شکل تدریجی و ناگهانی کالا و خدمت در دسترس برای رفح یک نیاز یا کسب یک مطلوبیت ساده‌ترین مفهوم مصرف است. کنکاشی کارشناسانه به پدیده مصرف؛ غذا، لباس، مسکن، خودرو، و انواع و اقسام خدمات از جمله شهری و حتی استفاده از مواد منفجره صحت تعریف فوق را به نمایش می‌گذارد. برای فهم، هدایت و مدیریت معقول مصرف باید پاسخی علمی به سوالی به شرح: «مولفه‌های اثرگذار در پدیده مصرف فردی، خانوار، بنگاه و ملی چیست؟» پیدا شود. در این راستا نظریه‌های اقتصادی و رفتاری مهمی برای تشریح جنبه‌های خود و کلان پدیده مصرف بر مبنای مشاهدات و مطالعات میدانی ارائه شده است، ولی تاکنون به لحاظ اثر اقتضای در این پدیده اجماعی محسوس در دسترس نیست. اما به دلیل هدف این نوشتار و اینکه هر کدام از نظریه‌ها مستقیم و غیرمستقیم اثر فرهنگ را نتوانسته‌اند در کنند بنابراین باید دید که فرهنگ چیست و با چه مکانیزمی موجب خود پدیده مصرف و دینامیزم، پویایی و تحول در این پدیده مهم مصرف می‌شود.

فرهنگ چیست؟

به لحاظ لغوی فرهنگ انگاره و الگویی جامع از دانش انسانی شامل باورها، دانش رفتارها، مجموعه‌ای از عادات، ارزش، اخلاق و الگوهای انجام اعمالی خاص منکسر در نهادهای گوناگون اجتماعی است. از دشواری‌های موجود در خود علم و فرهنگ تعریف فحوالی خود فرهنگ است. با توجه به اصول تعاریف معتبر که می‌گوید تعریفی معتبر است که پیامدار، جامع و همپوشان و کوتاه باشد، علیرغم دسترسی به حدود۱۶۲ نوع تعریف از فرهنگ هنوز در تعریف فحوالی فرهنگ اجماع نیست. برای این پیچیدگی دلایل متعددی است و آن اینکه همگان وجود و اثر و اهمیت آن را دریافته‌اند ولی به لحاظ وجود و حضور آن در اقتضای‌های جغرافیایی و تاریخی متعدد متفاوت و توجه به اثر آن در رفتارهای گوناگون انسانی، تاکنون اجماعی در میان ارائه‌کنندگان این تعاریف نیست. ولی در ماهیت و عناصر فرهنگی هموائی زیاد مشاهده می‌شود، از جمله اینکه باور و ارزش و اخلاق از عناصر اساسی هر فرهنگی است. بنابراین در رابطه با هدف این مقاله باید پرسید که انواع فرهنگ‌ها از زوایای دید متفاوت چیست؟ دارای چه ساختار و سیر تحلی است. فرهنگ مصرف چیست، آیا در فرهنگ مصرف نیز می‌تواند هر پدیده حیاتی دیگر چرخه حیاتی وجود دارد و فرهنگ دارای مراحل آفرینش، رشد و افول است و اگر پاسخ مثبت است، مولفه‌های چنین چرخه در فرهنگ‌ها چیست و چگونگی می‌توان از گذار اثرگذار در این مولفه‌ها اصلاح‌حالتی بسامان در چنین پدیده‌هایی را بوجود آورد و به پایداری این اصلاحات نیز اندیشه کرد.

انواع فرهنگ‌ها چیست؟

در این مقوله طبقه‌بندی، فرهنگ‌های متعدد مطرح هستند. در اینجا توجه به منشأ، ساختار و نتایج انواع فرهنگ‌ها است. به لحاظ منشأ، فرهنگ ممکن است الگویی ملی به اثر رسیده از نسل‌های پیشین همان ملت به صورت مجموعه‌های دانشی ملی و قومی و منطقه‌ای و به حالت‌های عمده فرهنگ و خرده فرهنگ و به صورت‌های در تعاملات گوناگون همسازگار و ناهم‌سازگار به همدیگر و با چرخه حیات خاص باشد. نیز ممکن است فرهنگ به صورت فراملی و وارداتی به طریق استفاده محسوس و غیرمحسوس از ابزارهای گوناگون و در عین حال پیچیده معظم رهبری است.ایشان از روزهای نخستین سال۱۳۷۰، همزمان با شروع نبرد زر و تزویز در بین مستولان، نسبت به این قضیهٔ هشدار دادند.همان روزهایی که«دیگر ضویت رفاه مستولان» رسید و کوخ نشینین رایجی به کاخ نشینین ها تبدیل شد.این هشدارها همچننان ادامه داشت و رهبر انقلاب در فرصت های گوناگون به این نکته اشاره می کردند که باید فرهنگ قناعت و شیوه صحیح مصرف جایگزین شیوه مصرف مسرفانه ای شود که دامنگیر جامعه شده است.اکنون به فرازهایی از بیانات ایشان اشاره می شود.

دیدار با اقشار مختلف مردم

(روز بیست ونهم ماه مبارک رمضان)۱۳۷۰/۱/۲۶
برادران !امیرالمومنین می گوید زندگی به سمت زهد باید برود. امروز در جمهوری اسلامی، اگر ما احساس بکنیم که زندگی به سمت اشرافیگری می رود، بلاشک این انحراف است؛ بربرگرد ندارد. ما باید به سمت زهد حرکت بکنیم. . . مردم هم نباید اسراف و تجمل گرایی بکنند. این طور نیست که زهد فقط

ان بلذیذین اخوان الشیاطین و . . . اگر بترانیم بفهیم که اسراف چیست و شیطان چیست، شاید عناصر اولیه و مصدیق فرهنگ صحیح مصرف را بتوانیم دریابیم.

فرهنگ مصرفی چیست؟

الگویی از دانش مصرفر انسانی شامل باورها، دانش رفتارها، مجموعه‌ای از عادات، ارزش، اخلاق و الگوهای خاص مصرف در شرایط گوناگون اجتماعی است، که نادر عملی آن سبد مصرفی روزانه، هنگی، ماهانه و سالانه هر سامانه از قبیل فرد، خانوار، بنگاه، دولت و ملت است.

چرا به فرهنگ مصرفی اهمیت می‌دهند؟

زیرا که خیلی از جنبه‌های حیات متأثر از این بحث است. همه به نسبت‌های متفاوت در تعیین و انتخاب الگوی مصرفی خویش به صورت نهفته و غیر محسوس متأثر از این مولفه هستیم. ضمن غربت مثبت و منفی اثرات متفاوت این فرهنگ مجبور به برخورداری و بعضاً تحمل تبعات گوناگون

مقدمه:

از جریان های متعدد توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی صد ساله اخیر ایران؛ جمعیت کشور در پدیده‌های مهمی چون تولید ملی، مصرف ملی، تجارت کشور و سرمایه‌گذاری تحولات ساختاری چشمگیری تجربه کرده است که متأسفانهغیر از چندین مقاله توصیفی محدود در هیچ‌کدام از موضوعات مزبور تحلیل های جامع دگرانه از علل، ریشه‌ها و مولفه های موثر و آثار پیچیده تبعی از چنین تحولاتی اسناد علمی قابل ذکری در دسترس نیست. یکی از موارد مهم که در عین حال سیاسی‌تر نیز می‌باشد تحولات اتفاق افتاده در مصرف کشور است. به صورت کلان نگر پدیده مصرف در ایران در طی صد ساله گذشته به تدریج از یک الگوی فرهنگی کاملاً ملی — اسلامی و داخلی به یک الگوی فرهنگی مخلوط و مرکب از مجموعه‌های فرهنگی داخلی و خارجی تبدیل شده است. کمترین نماد این تحولات تعدد کالا به حد دویست هزار و تنوع و تکثر مصرفی است که همین تغییرات تدریجی دارای آثار و تبعات متعدد اقتصادی، اجتماعی و مخصوصاً سیاسی پیچیده و در عین حال خزننده و کم محسوس در زمان اتفاق بوده است به نحوی که در شرایط فعلی اعمال تغییرات اسلامی — ملی محور حتی به شرط ضرورت در پدیده مصرف فعلی چیزی سخت و در شرایطی غیر ممکن می‌نماید. بدین قرار هرگونه تلاش هدفدار در اصلاح پدیده مصرف نیازمند کنکاشی عمیق، طراحی و برنامه‌ریزی مدبرانه و از همه مهم‌تر نیازمند اجرا و طبقه‌بندی فرهنگی، نقش فرهنگ در شکل گیری، تداوم و تغییر الگوی مصرف مولفه‌های موثر در فرهنگ صحیح مصرف و تعریف فرهنگ صحیح مصرف پرداخته می‌شود؛ تا با این زمینه‌سازی‌های مقدماتی رهنمودهای راهبردی جهت اصلاح الگوی صحیح مصرف ملی در سطح خانوار و بنگاه و در حوزه‌های بخش خصوصی و عمومی ارائه شود.



آن نیز هستیم. تبیاتی که در موارد خاص دارای آثار غیرقابل برگشت تبعی چون خسارات فردی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نیز فرهنگی است.

فرهنگ مصرفی صحیح و مولفه‌های صحت چیست؟

برای بررسی، گزینش و دفاع از فرهنگ صحیح باید ابتدا یک چهارچوب ارزش داور صحتی انتخاب کرد که کاری بس دشوار است.

پایه این چهارچوب ارزش دآوری، نگاهی فلسفی به خودحیات و به فرغ حیات یعنی به مصرف است. چرایی حیات در نگاهی فلسفی دامنه‌های وسیعی از چرخ گرایی – نهلپلزم، تا آرمان‌خواهی‌ها بر مبنای اصالت بشر و اصالت خودحیات دارد. این چنین چرایی مصرف دامنه‌های وسیعی از اصالت لذت در مصرف تا مصرف به خاطر حیات پایدار ادامه‌دار تا زمان استراحت را دارد. از این همه پیچیدگی‌ها می‌توان به حداقل مولفه‌ها به

۱۸ سال تلاش رهبری برای اصلاح الگوی مصرف

ایران ضربه وارد می‌کند؛ از این طرف هم خود ما با اسراف و صرفه جویی نکردن، ضربه او را تکمیل می‌کنیم!حرف من این است.
من در پیام گفتم که مردم را به ریاضت اقتصادی دعوت نمی‌کنم؛ ابتدا!چه ریاضتی؟ بحمدالله ملت ما احتیاج به ریاضت ندارد. من آنها را به قناعت، به صرفه جویی و به اسراف نکردن دعوت می‌کنم. اسراف، حرام است. این هم نمی‌شود که من و شما، مرتب دیگران را نصیحت کنیم. همه باید سعی کنند که اسراف را از زندگی شخصی و از زندگی کاری خودشان دور کنند.

در خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۸۱/۹/۱۵

مصرف گرایی برای جامعه بلای بزرگی است. اسراف، روزبه‌روز شکافهای طبقاتی و شکاف بین فقیر و غنی را بیشتر و عمیقتر می‌کند. یکی از چیزهایی که لازم است مردم برای خود وظیفه بدانند، اجتناب از اسراف است. دستگاههای مسئول بخشهای مختلف دولتی، بخصوص دستگاههای تبلیغاتی و فرهنگی – به ویژه صدا و سیما – باید وظیفه خود بدانند مردم را نه فقط به اسراف و مصرف گرایی و تجمل گرایی سوق دهند؛ بلکه در جهت عکس، مردم را به سمت قناعت، اکتفا و به اندازه لازم مصرف کردن و اجتناب از زیاده روی و اسراف دعوت کنند و سوق دهند. مصرف گرایی، جامعه را از پای درمی آورد. جامعه‌ای که مصرف آن از تولیدش بیشتر باشد، در میدانهای مختلف شکست خواهد خورد. ما باید عادت کنیم مصرف خود

شرح پایداری در سلامت انسانی، پایداری محیط زیست و پایداری اقتصادی که تا حدودی در همه فلسفه‌ها نیز هموار است، مفاهمه کرد. بدین قرار فرهنگ صحیح مصرفی فرهنگی است که در غایت انسان را راهنمای خوب به سوی سلامتی بیشتر وی، به سوی پایداری بیشتر محیط زیست حول و حوش خودش و نیز به سوی نیل به تعادل اقتصادی بیشتر در سامانه وی از قبیل فرد، خانواده، بنگاه و ملت باشد.

الگوی مصرفی چیست؟

الگو، موضوعی قابل برگشت و تکرار از چیزها و حوادث گوناگون شامل عناصر تشکیل دهنده آن پدیده است که می‌تواند به صورت قابل پیش‌بینی و قابل تکرار درآید. ماهیت خود الگو اطلاعات است که شیوه خاصی از عمل و عکس‌العمل انسان در اقتضای‌های گوناگون را بیان می‌کند.

آنجایی که این الگو به مرحله کاربرد و فعالیت تبدیل می‌شود، جنبه عملیاتی الگو مشاهده می‌شود. پس جنبه اطلاع‌ای و کاربردی الگوی

و کلان ملی شده و موجبات ناسلامتی‌های خود و کلان و موجبات ناپایداری‌های زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است که اگر بتوانیم اصالت خود به کار گرفته شده را بفهیم از همه اول این اصالت فلسفی و فرهنگی نیاز به اصلاح دارد. که در این بین باید که از رهنمودهای اسلام در الگوی مصرف استفاده شایسته‌ای بشود.

رهنمودهای اسلام در الگوی مصرف

در شرع مقدس اسلام بمانند خیلی از پدیده‌ها و مسائل بعضی اصول، قواعد و راهنمای‌های عام و بعضی دستورالعمل‌های خاص وجود دارد. در رابطه با پدیده مصارف انسانی اوصاف این مکتب خیلی غنی است، به طوری که شرح مفصل این موضوع تحقیق، مطالعه و تحلیل‌های تخصصی می‌تولبد. در رابطه با اصول عام مصرف، شرع مقدس مثل تمام پدیده‌ها عقلانیت، حلاوت و حلالیت مصرف انسانی را نیز با قواعد امتدانداری و لاضرر و ضرر می‌بیند. بدین شرح که اگر در سامانه مصرف انسانی، مولفه‌های خود انسان، انواع و اقسام منابع از طبیعت، محصولات، افراد تلاش‌گر و دیگر مولفه‌ها درگیر

هستند؛ خود مصرف‌کننده هم در پیش خود و هم در پیش خدا امانت بوده و اصل عدم خیانت به امانت از اصول محکم اسلامی است و از این مبنا حدود مصرف توصیه شده در اسلام دارای دامنه‌ای است که نباید به خود شخص، و به محیط و به جامعه از منظر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موجب ضرر و زیان باشد. در رابطه‌با دستورالعمل‌های خاص نیز پرخوری، حرام‌خواری، ذم می‌شود.

رهنمودهای آینده

در راستای اصلاح الگوی مصرف که مقام معظم رهبری آن را برای سالی مطرح کرده‌اند، به نظر می‌رسد که از همه اول یک

سامانه هوشمند و متعهد به قواعد اسلامی – امتاندار و ضرر نرسان – مراحل زیر را طراحی، برنامه‌ریزی، اجرا و کنترل و نظارت کرده و به مصداق کلکم راه به دآوری عام بگذرانند و با بازخورد نتایج دآوری عام به صورت پویا به فکر اصلاح باشند.

۱- جمع‌آوری مستندات علمی و تجربی مصارف ملی کشور در سطح فرد – خانوار و بنگاه – عام – دولت
۲- تعیین استانداردهای ملی، اسلامی و بین‌المللی حدود سلامتی و حدود ضرر هر کدام از مصارف فوق در سامانه بر مبنای عوامل شناخته شده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، با بازآورد حاشیه‌های ضرر و خسارت فردی، ملی مشخص کردن حدود آسیب‌پذیری
۳- ساماندهی‌های فرهنگی الگوی صحیح مصرف از طریق اصول متقن مهندسی فرهنگی و ترویج مداوم و پویای این فرهنگ، با بازخورد نتایج این فرهنگ‌سازی
۴- ساماندهی‌های اقتصادی جامع برای حمایت از الگوی مصرفی صحیح متنق مهندسی فرهنگی و ترویج مداوم و پویای این فرهنگ، با بازخورد نتایج این فرهنگ‌سازی
۵- ساماندهی‌های اقتصادی جامع برای حمایت از الگوی مصرفی صحیح متنق مهندسی‌های سیاسی جامع برای هدایت کل سامانه به آرمات‌های اسلامی

جمع بندی

بدین ترتیب از آنچه که در محتوای این نگارش مشخص می‌شود، اصلاح الگوی مصرفی، تلاشی جامع‌نگر، مدبرانه، هوشمند، دامنه‌دار از گذشته و به سوی آینده را می‌تولبد که عزم مجموعه انسان‌های از فرد بنگاهی، خانواری تا مجموعه‌های دولتی و ملی از حوزه‌های علمی تا دانشگاهی و دیگر مراکز علمی، تقنینی، قضایی، برنامه‌ریزی، اجرایی و نظارتی را می‌تولبد که مطمئناً از ضرورت‌های روز کشور بوده و تأخیر در این مهم موجب ضمان همگانی و مخصوصاً ضمان متعهدین به دلیل احتمال ورود خسارات متداوم، متعدد و دامنه‌دار به جامعه، به طبیعت و از همه مهم‌تر خدشه خطراتک به فرهنگ اسلامی است.
* انتشارات دانشگاه تبریز و عضو گروه اقتصاد مرکز سیخ اساتید استان آذربایجان شرقی

را تعدیل و کم کنیم و از زیادیها بزنیم.

دیدار معلمان و کارگران ۱۳۸۲/۲/۱۰

توصیه من به وزیران محترمی که این جا هستند و به دیگر مسئولان دولتی، امروز این است و قبلاً هم همیشه همین بوده است که روی مسأله تقویت پول ملی و به نظام آوردن خرجها و هزینه‌های دولتی تلاش کنند و جلو ریخت و پاشها و خرجهای زیادی و اسراف گونه را بگیرند و در یک دایره محدودتر وزارتی، رعایت کمال عدالت را بکنند و تبعیضهای بیجا را بردارند.

خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۸۶/۷/۲۱

ما مردم مسرفی هستیم؛ ما اسراف می‌کنیم؛ اسراف در آب، اسراف در نان، اسراف در وسایل گوناگون و تنقلات، اسراف در بنزین. کشوری که تولیدکننده نفت است، واردکننده فرآورده نفت – بنزین – است !این تعجب آور نیست؟ اهر سال میلیاردها بدهیم بنزین وارد کنیم یا چیزهای دیگری وارد کنیم برای اینکه بخشی از جمعیت و ملت ما دلشان می‌خواهد ریخت و پاش کنند !این درست است؟ اما ملت، به عنوان یک عبق عالمی به این نگاه کنیم. اسراف بد است؛ حتی در اتفاق ما خدا هم می‌گویند. خدای متعال در قرآن به پیمبرش می‌فرماید: « لا تجعل يدک مغلولة ای عنکف و لا تبسطها کل البسط»؛ در اتفاق برای خدا هم اینجوری عمل کن. افراط و تفریط نکنید. میانه روی؛ میانه روی در خرج کردن. این را باید ما به صورت یک فرهنگ ملی در بیآوریم.